

یکی از موضوعاتی که برای ما به‌عنوان یک مسلمان باید اهمیت داشته باشد، این است که زندگی و شخصیت ما چه رابطه‌ای با پیامبر اعظم(صلوات) ... و سلامه علیه) دارد؟ مسلمان به معنای پیرو پیامبر آخرالزمان است؛ پیامبری که یکی از ویژگی‌های بزرگ او اخلاق عظیم او بود، اخلاقی که عالمی را مسحور خویش کرد. او قبل از رسیدن به پیامبری، نزد مردم ملقب به امین و درستکار بود و همین موضوع، موجب اعتماد مردم به او شد و پس از پیامبری قبل همه، خودش به دستوراتش عمل می کرد و همین امر موجب تأثیرگذاری او بر دیگران بود، پیامبری که بی تکلف بود و برای مخاطب خود احترام زیادی قائل بود.

موضوع برقراری ارتباط ما با پیامبر اکرم(ص) در یک نقطه، دارای ویژگی محوری است و آن، اسوه بودن شخصیت حضرت است، همان‌طور که خداوند عالم نیز در قرآن کریم می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ ... أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا ... وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ ... كَثِيرًا»، یعنی وجود رسول اکرم(ص) اسوه کامل برای کسانی است که به خدا و روز قیامت امید دارند و فراوان او را یاد می کنند.

البته در عربی برخی واژه‌ها وجود دارند که معنا و مترادف دقیقی در فارسی ندارند. یکی از این لغات، همین واژه «اسوه» است، تاجایی که مقصود عرب از اسوه، از مفهوم الگو فاصله می‌گیرد و درحالی که الگو متمرکز بر شخصیت محوری در یک عرصه است، اسوه در همه شئون و عرصه‌ها برای انسان محور قرار می‌گیرد. راغب اصفهانی در کتاب «مفردات» خود، ضمن تشریح واژه اسوه، می‌گوید از اسوه، مقصود کسی یا چیزی است که می‌تواند در همه حوزه‌ها انسان را به‌دنبال خود بکشد تا از او الگو بگیرد. از این منظر، اگر رسول خدا(ص) در قرآن کریم به‌منزله اسوه تعریف شده‌اند، نشان می‌دهد که ما باید در همه روحیات و اعمال خود پیرو شخصیت، وجود و سیره نبی مکرم اسلام(ص) باشیم، منتها این سؤال پیش می‌آید که ما چطور می‌توانیم در سبک زندگی و منش با رسول(ص)...! یکی بشویم و خود را با وجود ایشان تطبیق بدهیم و در مقام پاسخ، مهم‌ترین رکن این تطابق و پاسخ به این سؤال، معطوف به تنظیم بینش ما با پیامبر اکرم(ص) است.

بینش محوری نبی مکرم اسلام(ص) هم این بود که به دنیا دل‌بستگی نداشتند، تاجایی که در روایت آمده است زمانی رسول خدا(ص) از خواب بیدار شدند، درحالی که اثر حصیر زیراندازشان بر صورت حضرت باقی مانده بود. در اینجا فردی از حضرت پرسید: یا نبی! ... لَوْ اُتِخَذْتُ فِرَاشًا اَوْتَرُ مِنْهُ، یعنی ای پیامبر خدا(ص)! آیا بهتر نبود حداقل فرش نرمی را پهن می‌کردید تا اثر حصیر بر صورت شما باقی نمی‌ماند؟ مرد که این را گفت، حضرت پاسخ دادند: «ما لی و الدنیا؟ إِنَّمَا مَثَلُی وَ مَثَلُ الدنیا کَمَثَلِ رَاكِبٍ مَّوَّ لِفَیْلٍوَلَهُ فِی ظِلِّ شَجَرَةٍ فِی یَوْمِ صِیْفٍ ثَّمْ رَاخٌ وَ ثَرَّکَها»، یعنی مرا با دنیا چه کار؟ مثل من، مثل سواری است که زیر سایه یک درخت، به خواب کوتاه ظهرگاهی فرو می‌رود و پس از زمان کوتاهی برخاسته، عبور می‌کند.

این موضوع خیلی مهم است که شما در عنوان جوانی به سیره نبی مکرم اسلام(ص) توجه داشته باشید. این بینش که همه ضروریات من در این دنیا فراهم باشد و خانه، زندگی، درآمد و پول به دغدغه اول و آخر ما تبدیل شود، منطبق بر منطق رسول اکرم(ص) نیست، به همین ترتیب، تازمانی که مادی‌گرایی در زندگی ما محور باشد، پیامبر(ص) برای ما اسوه نیست، اما اگر بینش ما با زاویه دید نبی مکرم اسلام(ص) تطبیق پیدا کرد، آن زمان است که می‌توانیم در همه شئون زندگی خود با سیره نبوی تنظیم شویم.

برگرفته از خطبه‌های نمازجمعه مشهد تنظیم: حجت الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی

بردار و بخوان

پیامبر(ص)

در طول تاریخ، بعضی افراد لحظه لحظه زندگی‌شان مهم و اثرگذار بوده است. خواندن زندگی این انسان‌ها برای افراد با علایق مختلف خالی از لطف نیست. پیامبر اسلام(ص) نیز از جمله این افراد هستند که در طول زندگی بابرکشان، با وقایع زیادی روبه‌رو شدند و این فرازوفرو را چه بهتر که در قالب زمان بخوانیم. «نقی سلیمانی، براساس قرآن و با استفاده از نهج البلاغه، کتاب‌ها و روایت‌های معتبر رمانی بلند با قلمی روان و خوش‌خوان نوشته است. این رمان بلند از چهارده فصل تشکیل شده است که نام برخی از آن‌ها عبارت است از: «تولد»، «جوانی»، «بزرگ سالی»، «میان سالی» و «کهنسالی»، درواقع این کتاب‌ها به‌ترتیب از تولد تا کلان‌سالی پیامبر گرامی(ص) را در چندین و چند بخش دربر گرفته‌اند. اگر به مطالعه ادبیات داستانی یا زندگی‌نامه‌ها علاقه دارید، خواندن کتاب «زندگی پیامبر اسلام(ص)» را به شما پیشنهاد می‌کنیم.

بخشی از کتاب:

«مدتی گذشت، یک روز مؤمنان در مزارع مشغول کار بودند که ناگهان صدای اذان بلال بلند شد. همه با تعجب به آسمان نگاه کردند. عجیب بود که وقت نماز ظهر نشده بود اما صدای اذان همچنان اوج می‌گرفت. آیا همه باید به‌سمت مسجد می‌رفتند؟ این علامت آن بود که خبر مهمی شده است. مسلمانان از سراسر مدینه به‌سوی مسجد سرازیر شدند.

جمعیت انبوهی در مسجد و بیرون آن گردآمده بود. بعضی‌ها روی نوک‌پامی ایستادند تا جلوتر را ببینند. در این لحظه پیامبر به میان مردم آمد. همه ساکت شدند. پیامبر گفت: «به‌تازگی پروردگار، فرمانی بر من نازل کرد و آن فرمان این است: خدا از کسانی که ایمان آورده‌اند، دفاع می‌کند و خدا خیانتکاران ناسپاس را دوست ندارد. به‌کسانی که به جنگ بر سرشان تاخت آورده‌اند و مورد ستم قرار گرفته‌اند، اجازه داده شد و خدا بر پیروز گردانید نشان تواناست. آن‌هایی که بناحق از دیار و سرزمینشان رانده شده‌اند، جز آن بود که می‌گفتند پروردگار ما خدای یکتاست؟ و اگر خدا بعضی را به‌وسیله بعضی دیگر دفع نکرده بود، دیرها و کلیساها و کنشت‌ها و مسجدهایی که نام خدا به‌فراوانی در آن برده می‌شود، ویران می‌گردید و خدا هرکس را که باری‌اش کند، یاری می‌کند و خدا توانا و پیروزمند است؛ همان کسانی که هرگاه در زمین به آن‌ها قدرت بخشیدیم، نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و امر به معروف می‌کنند و سرانجام همه کارها با خداست.... بچنگید، ولی (جنگیدن) در راه خدا، علیه کسانی که با شما می‌جنگند. آنان را از مکانی که شما را بیرون کرده‌اند، برانید، زیرا آزار رساندن و فتنه، از کشتن بدتر است. آن قدر بچنگید تا دیگر آزار و فتنه‌ای نباشد و دین برای خداوند است، ولی اگر دست کشیدند، شما هم از جنگ دست بکشید، سپس پیامبر از آن‌ها خواست هیچ‌گاه شروع کننده جنگ نباشند، چون خداوند شروع‌کنندگان جنگ را دوست ندارد».



۲۳شهرورذ ۱۳۹۷
شماره ۲۳۳۲

۱۴



مروری بر باورهای دینی اسلام درباره ازدواج

خانواده کلید پایداری جامعه است

آمنه مستقیمیا موضوع ازدواج و تشکیل خانواده، سابقه‌ای به بلندای حضور اولین انسان‌ها در زمین دارد. اسلام نیز برای خانواده ارزش فراوانی قائل است و در سوره‌های متعدد قرآن از آن سخن به میان آورده است. با نگاهی گذرا به کتاب‌های فقهی و اخلاقی و حتی رساله‌های عملیه، روشن می‌شود که اسلام با چه وسعت نظری از این نهاد سخن گفته است. برخلاف بسیاری از مکاتب بنام مذهبی یا فلسفی که به ازدواج با نظری کراهت‌آمیز می‌نگرند و آن را مذموم و مختص وقت ضرورت می‌دانند و تجرد را مقدم بر ازدواج و ازدواج می‌کنند را تنها به‌عنوان راهی برای فرار از بدکاری به رسمیت می‌شناسند، اسلام با تأکیدهای فراوان بر ازدواج، تشکیل خانواده را تشویق می‌کند.

خانواده به روایت روایات

همان‌طور که بیان کردیم، رسول اکرم(ص) ازدواج را محبوب‌ترین پناهانزد خدای متعال معرفی می‌کنند و می‌فرمایند: «خانواده تشکیل دهید که مایه فروزی روزی شماست»(الکافی: ج ۵، ص ۳۲۹، ج ۶) و نیز از ایشان است که: «همسرداران، بهترین امت من و بی‌همسران، بدترین امت من هستند»(بحارالأنوار: ج ۱۰۳، ص ۲۲۱، ح ۳۲). همچنین امام صادق(ع) ازدواج را سبب فروزی ارزش عبادت دانسته، می‌فرماید: «دو رکعت نمازی که متاهل به‌جای می‌آورد، از هفتاد رکعت نمازی که مجرد به‌جای می‌آورد، برتر است»(وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۰). روایات بسیاری به‌شدت تجرد را نکوهش می‌کنند، چنان‌که پیامبر(ص) فرمودند: «بیشتر دوزخیان را مجردان تشکیل می‌دهند»(وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۰).

ساختار اصلی جامعه، خانواده

در اسلام، خانواده یکی از نهادهای زیربنایی بنیاد هستی و از ساختارهای اصلی جامعه اسلامی به‌شمار می‌آید که همگام با دیگر ساختارهای جامعه در راه تحقق اهداف انسان، به‌عنوان خلیفه و جانشین خداوند، گام برمی‌دارد. از دیدگاه آموزه‌های دینی، خانواده سنگ‌بنای جامعه است که فرد را به جامعه و نسل‌ها را به یکدیگر مرتبط می‌سازد و گروه‌های اجتماعی گوناگون را به‌هم پیوند می‌دهد. ازدواج و تشکیل خانواده اگر با معیارهای صحیح رقم بخورد، باب بسیاری از نعمت‌ها و برکت‌ها را به‌سوی انسان و جامعه می‌گشاید؛ زیرا خداوند سبحان، این پیوند را مجرای عنایت‌های ویژه خود قرار داده است. این همه تأکید قرآن و پیشوایان معصوم(ع) نیز برای آن است که این برکات الهی در جامعه نازل شود و مردم از انحراف و ارتکاب گناه محفوظ بمانند و به عذاب الهی دچار نشوند، بنابراین درباره ضرورت ازدواج، احادیث فراوانی هست، چنان‌که پیامبر گرامی اسلام(ص) فرمودند: «هیچ بنایی در اسلام، بنیان‌گذاری نشده است که نزد خدا محبوب‌تر از ازدواج باشد»(مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۳).



راه تشکیل خانواده موفق

اسلام در کنار معرفی خانواده به‌عنوان اصلی‌ترین و مهم‌ترین کانون آرامش، نسخه دست‌یابی به خانواده با چنین کارکردی را هم در اختیار انسان قرار داده است تا با انتخاب صحیح دست به ازدواج بزند، لذا در دستورهای دینی، علاوه بر پیشنهاد راهکارهایی مانند توکل بر خداوند، خواندن نماز و دعا برای طلب همسری شایسته و ازدواجی موفق، برای پیشگیری از ازدواج‌های ناموفق، به دقت و توجه کافی برای انتخاب همسر توصیه فرموده، معیارهایی را ذکر می‌کند. معیارهای اصلی در انتخاب همسر عبارتند از: ایمان و باورهای صحیح دینی و مذهبی که مهم‌ترین ویژگی لازم برای همسر محسوب می‌شود. این شرط، در همه اوضاع زمانی و مکانی، برای یک همسر ضروری است. چنان‌که پیامبر اکرم(ص) فرمودند: «هرگاه فردی به‌خواستگاری نزد شما آمد و دین‌داری و امانتداری (اخلاق) او را پسندیدید، به‌اوزن بدهید...» (ترجمه میزان الحکمه، ج ۵، ص ۲۲۵۶، ح ۷۸۳۷). حسن خلق، ویژگی دیگری است که باید در تشکیل خانواده به آن توجه کرد. حسن خلق، یعنی زینت دادن به کلام، شکر و سپاسگزاری، خوش‌زبانی و حقیقت‌گویی، محبت و تشویق، صداقت و... اساس زندگی زناشویی، سازگاری، تفاهم و همکاری است که فقط در پرتو حسن خلق محقق می‌شود. شخصی از امام‌رضا(ع) درباره فردی پرسید و گفت: یکی از بستگان من از دخترم خواستگاری کرده است و از جهاتی شایستگی همسری را دارد، ولی بداخلاق است، چه کنم؟، حضرت در پاسخ فرمودند: «اگر بداخلاق است، به او زن نده، پیامبر(ص) درباره کفویت شرعی و عرفی فرموده‌اند: «با خانواده خوب و شایسته وصلت کنید، زیرا خون اثرگذار است. (ترجمه میزان الحکمه، ج ۵، ص ۲۲۵۸، ح ۷۸۴۸) و نیز از ایشان است که: «از سبزه در زباله‌دانی دوری کنید!؛ گفتند: ای رسول خدا(ص)؟ سبزه در زباله‌دانی چیست؟، فرمودند: «زن زیبا در خانواده بد»(کافی، ج ۵، ص ۳۳۲، ح ۴). تناسب سنی و تحصیلی، زیبایی و جذابیت‌های ظاهری، از دیگر ویژگی‌هایی است که اسلام در انتخاب همسر و تشکیل خانواده، بر رعایت آن‌ها تأکید و به آن توصیه می‌کند.

خداشناسی و توحید به برکت خانواده

خانواده‌ای که با رعایت این آداب و التزام به این شرایط تشکیل می‌شود، برکات بسیاری را نه فقط برای فرد بلکه برای جامعه به ارمغان می‌آورد و درس یکتاپرستی به ما می‌دهد. برخی جلوه‌های این درس در پرتوی تشکیل خانواده عبارتند از: بقای نسل. در روایتی از مفصل بن‌عمر گزارش شده است که امام صادق(ع) در تبیین این درس می‌فرمایند: «آری! عقل از آنجاکه نمی‌تواند باور کند اتفاقات کور پی‌درپی، موجب پدید آمدن «مرد، شده باشد و سپس به‌منظور بقای نسل، شخص دیگری به نام «زن» پدید آمده باشد، راهی جز اعتراف به وجود «آفریدگار حکیم جهان» ندارد»(بحارالأنوار، ج ۳، ص ۷۵). مودت و رحمت موجود در فضای خانواده، جلوه‌ای دیگر از خداشناسی را ترسیم می‌کند. علامه طباطبایی(ع) می‌گوید: «خانواده یکی از بارزترین جلوه‌گاه‌های مودت و رحمت است که از یک طرف دو زوج را به یکدیگر پیوند می‌دهد و از طرف دیگر موجب می‌شود هر دو به‌ویژه زن بر فرزندان خردسال خود(که در تأمین نیازهای حیاتی خویش، عاجز و ضعیف‌اند) مهر بورزند و به پناه دادن، نگهداری، پوشش، تغذیه و تربیت آن‌ها اقدام کنند و اگر این مهرورزی نبود، نسل بشر منقرض می‌شد و نوع انسان، هیچ‌گاه امکان حیات نمی‌یافت»(اللمیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۱۶۶).

اصلی‌ترین ارمغان خانواده

بنابر آنچه بیان شد، حکمت‌گایی تشکیل خانواده و هدف‌نهایی اسلام از این همه تأکید بر تشکیل و تحکیم و تداوم آن، گسترش ارزش‌های انسانی، انتشار آرمان‌های توحیدی و سرانجام، جهانی شدن اسلام است و بقای نسل انسان، مقدمه‌ای برای رسیدن به این هدف بزرگ است و حدیث نبوی زیر، به این حکمت اشاره می‌کند: «چه چیزی مانع می‌شود که انسان مؤمن، زن بگیرد؟ شاید خداوند به او فرزندان بی‌روزی کند که زمین را با [گویندگان] لا اله الا...، سنگین کنند. مهم‌ترین نکته قرآنی در تبیین حکمت ازدواج، این است که خداوند وقتی می‌خواهد در قرآن حکمت ازدواج و تشکیل خانواده را بیان کند، نمی‌گوید حکمت خلقت همسر و تشکیل خانواده، بقای نسل یا تولد فرزند صالح یا پیشگیری از فساد یا سازندگی اخلاقی و اجتماعی یا توسعه ارزش‌های اسلامی است، بلکه به حکمتی اشاره می‌فرماید که بدون آن، هیچ‌یک از اهداف خلقت انسان، تحقق‌یافتنی نیست و آن، عبارت است از آرامش روانی، بدون آرامش روانی نمی‌توان از جوان، انتظار تقوا داشت. بدون آرامش روانی، نه نسل سالم و صالح پدید می‌آید نه سازندگی اخلاقی و اجتماعی رخ می‌دهد نه ارزش‌های دینی و آرمان‌گسترش می‌یابد.

بایدهای خانوادگی

آموزه‌های دینی قرآن برای قوام نهاد خانواده و رشد و بالندگی انسان در سایه آن نیز، مبانی و اصولی را طراحی و تجویز کرده‌اند که عبارتند از: تأمین نیازهای جنسی، مهم‌ترین عاملی که زن و مرد را به‌هم نزدیک و زندگی مشترک و پیوند آن دو را ایجاب می‌کند، غریزه جنسی است. این نیاز متقابل، تا حدود زیادی، پیوند دائمی یا طولانی آن دو را سبب می‌شود. تأمین این نیاز متقابل، مبنا و اساس بسیاری از احکام خانواده است. تأمین نیازهای عاطفی، اتفاق مهم دیگری است که در پرتوی تشکیل خانواده رخ می‌دهد. خداوند متعال انسان‌ها را طوری آفریده است که وقتی نیاز‌ها و مصالح یکدیگر را تأمین می‌کنند، به‌تدریج رابطه‌ای عاطفی میان‌شان ایجاد می‌شود و رشد می‌کند. این عاطفه به شکلی نیرومند و طبیعی بین دو همسر پدید می‌آید و می‌تواند نقش مهمی در تأمین مصلحت کل خانواده ایفا کند. لذا می‌توان گفت نیرومندترین عامل دوام و رشد خانواده، عاطفه و محبت اعضای خانواده به یکدیگر است. از دیگر اصول حاکم بر خانواده، مشورت، سرپرستی مرد در خانواده، صلح و سازش و حکمت است که رعایت آن‌ها، خانواده این محکم‌ترین نهاد اجتماعی، را قوام و ریشه‌ای جاودان می‌بخشد.